

بررسی انتقادی مطالعه تفاوت‌های جنسیتی جوانان در

زمینه روابط صمیمانه

فاطمه جمیلی کهنه شهری*

فاطمه نصرافهانی**

چکیده

مقاله حاضر درصدد بررسی مقایسه‌ای روابط صمیمانه پیش از ازدواج زنان و مردان ۱۵-۲۹ سال شهر تهران و سپس چالش نظری آن بود. بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، گزارش‌های تحقیقاتی و با استفاده از روش پیمایش، تعداد ۲۵۴ پرسشنامه با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در ۳ منطقه این شهر آزمون شدند. یافته‌ها نشان‌دهنده تشابه زنان و مردان مورد مطالعه در برخی متغیرها از جمله نحوه آشنایی، میزان صمیمیت با جنس مخالف، دلایل قطع روابط دوستانه و پیامدهای جدایی بود. تشابهات دریافت شده در روابط دو جنس، تا حدی مغایر با انتظاری بود که از جامعه‌پذیری الگوهای سنتی می‌توان داشت و لذا نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی روابط پیش از ازدواج در جامعه مذکور بسنده نبود و بهره‌برداری از نظریه دوسوگرایی جامعه‌شناختی مرتن پیشنهاد شد. همچنین به دلیل ضد ارزش قلمداد شدن روابط جنسی پیش از ازدواج در هنجارهای مذهبی و سنتی ما، که در فرهنگ غرب بعضاً آزادی جنسی قلمداد می‌شود، می‌توان به خلاء نظریه‌پردازی پی‌برد و ضرورت مطالعات عمیق‌تر کیفی با رویکرد نظریه بازکاوی و نیز بهره‌برداری از مبادی فلسفه اسلامی برای ساخت نظریه و نظریه‌پردازی تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی

روابط پیش از ازدواج؛ تفاوت‌های جنسیتی؛ جامعه‌پذیری جنسیتی؛ دوسوگرایی جامعه‌شناختی؛ نظریه پردازی

*استادیار دانشگاه الزهراء (س)

f. isfahany@yahoo.com

** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۶

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱

مقدمه

جامعه ایرانی جامعه‌ای در حال تحول است و طی سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی‌ها و تغییرات شایان توجهی در حوزه‌های مختلف و در سطوح خرد و کلان شده است. اگرچه تغییرات حوزه‌های سیاسی و اقتصادی جالب توجه است، اما تغییرات و تحولات حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به دلیل ریشه گرفتن از بطن جامعه و تحت تأثیر قرار دادن زندگی توده مردم، به کانون توجه محققان و نظریه‌پردازان حوزه مسائل اجتماعی تبدیل شده‌اند. از مهم‌ترین حوزه‌های دگرگونی در سطح خرد، تغییرات عمده در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایرانی در زمینه تشکیل خانواده، ایده‌آل‌های همسرگزینی و فرزندآوری بوده است. روابط صمیمانه پیش از ازدواج، نمونه‌ای از این تغییرات و پدیده فرهنگی نوظهوری است که پژوهش‌ها نیز بیان‌کننده استقبال جوانان از آن بوده است (عبداللهیان، ۱۳۸۳: ۲۹۰-۲۵۵؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۹۱؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۴۷).

در تعریف روابط صمیمانه قبل از ازدواج^۱ و مؤلفه‌های آن، به تبادل هر نوع پیامی (اشاره‌ای، زبانی، بدنی و...) میان دو جنس مخالف گفته می‌شود که صبغه جنسی داشته و قبل از ازدواج رخ می‌دهد. برقراری و توسعه رابطه با جنس مخالف یکی از ویژگی‌هایی است که در دوره نوجوانی پدیدار و در طی دوره جوانی استمرار و تعمیق می‌یابد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶: ۱۴). دختر و پسر در این رابطه «در نقش دو فرد خواهان ابراز احساس علاقه و دوستی یا عشق به یکدیگر، با هم پیوند خورده و اغلب به صورت گروه‌های دو نفره و گاه نیز به شکل گروه‌های بزرگ‌تر ساخت می‌یابند» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۹۶).

با مروری بر گزارش‌های پژوهش‌های داخلی درباره نگرش جوانان نسبت به روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، تفاوت‌های جنسیتی بارزی مشاهده می‌شود. نگرش‌های سنت‌گرایانه در مقابل نوگرایانه، موضع‌گیری منفی‌تر در مقابل موضع‌گیری مثبت‌تر، رویکردهای حسابگرانه نسبت به امور خانواده در مقابل تعهدپذیری از جمله انواع آن است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۹-۱۰۸؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۵ و عبداللهیان، ۱۳۸۳: ۲۵۷-۲۸۹).

1. Premarital intimate relationships



در گزارش‌های خارجی، از نظر فین‌اشتاین و آردن^۱ (۱۹۷۳) «قرار ملاقات، یک قول و قرار تنظیم شده به طور مستقل توسط یک پسر یا دختر، برای ملاقات کردن به تنهایی یا در یک گروه در یک مکان خاص و در یک زمان برنامه‌ریزی شده، پدیده‌ای مربوط به قرن بیستم است و هدف اساسی آن‌ها این است که از طریق تمرین و آزمایش در روابط مبتنی بر علاقه‌مندی به جنس مخالف، مدل نهایی روابط بزرگسالان شکل می‌گیرد» (پاول و وایت^۲، ۱۹۹۰: ۳۸۱). همچنین به اعتقاد محققان علوم اجتماعی و روان‌شناسی، عوامل متعددی نظیر جنسیت، ویژگی‌های فردی و شخصیتی، محیط اجتماعی، آموزش، جامعه‌پذیری و فرهنگ در پذیرش، شیوع، سبک و الگوی دوستی افراد مؤثر است (دل‌اماتر و مک کورکودآله^۳، ۱۹۷۹؛ سالتس^۴ و همکاران، ۱۹۹۴: ۷۶۲-۴؛ پاول و وایت، ۱۹۹۰: ۸۰-۳۷۸؛ وی^۵ و همکاران، ۲۰۰۱: ۳۰).

به لحاظ نظری، روابط صمیمی دختر و پسر قبل از ازدواج پدیده‌ای است که در قالب نظریه تفاوت و نقش‌های جنسیتی در تاریخ نیم قرن اخیر نظریه‌های فمینیستی، روندی بی‌ثبات، متغیر و انفعالی را طی کرده است. برای مثال، تغییر موضع شتابان از نقد دیدگاه تاریخی مبتنی بر تقسیم جامعه به عرصه‌های عمومی و خصوصی به سوی تأیید آن به‌عنوان یکی از التزامات دموکراسی، گرایش به نظریه‌های بینابینی هابرماس، آرنت و سنت، اجتناب از صمیمیت کاذب در عمومیت روابط جنسی به سوی فراغ از خود بدون گم کردن خود در قالب اجتماع مدنی، همگی این ظن را تقویت می‌کند که مهندسی اجتماعی آن‌ها دچار نوسان و تورش بینشی و روشی است (جمیلی کهنه شهری، ۱۳۸۰: ۱۷۷). جایگزینی رویکرد سنتی و ایستا نسبت به نقش جنسیتی با ارتباط دادن آن به قدرت، به تغییر پارادایمی در نظریه مذکور انجامیده و متعاقباً مدل‌های جنسیتی ساختی جایگزین مدل نقش‌های جنسیتی شده است (صادقی فسایی، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۸۹). فقدان نظریه‌پردازی درباره تجربیات مردان، بها ندادن به تجربیات زنان رنگین پوست، هژمونی نظری جنسیت، تأکید بر تجربیات زنان سفید پوست و کشیده شدن به یک نوع برگزیده‌گرایی در امر پژوهش، اعتبار یافته‌های آن‌ها را به چالش

1. Feinstein & Ardon
2. Paul & White
3. Delamater & Maccorquodale
4. Salts
5. Way

کشیده است (همان: ۲۲۳).

تنگناها و تورش‌های بینشی و روشی دیدگاه‌های مذکور از یک طرف و نیز بسیاری از پرسش‌های بی‌پاسخ درباره نحوه انسجام خانوادگی و مسائل مبتلا به آن در جامعه ایران (باقری، ۱۳۸۹: ۲۴۹)، به ویژه تردید کردن درباره مفروض یکسان‌سازی الگوی جامعه‌پذیری دختر و پسر برای شکل‌گیری یگانگی هویت و نقش‌های زنان و مردان (بستان، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹)، همگی بیان‌کننده خلاء نظری و نظریه‌پردازی تفاوت‌های جنسیتی در غرب و نیز در جامعه ماست. این مهم بر ضرورت پرهیز از شتابزدگی در تحمیل نظریه‌های غیر منطبق با ساخت جامعه بر واقعیات اجتماعی آن، تعیین استانداردهای روش شناختی متناسب و در نظر گرفتن مبادی دینی در ساخت نظریه تأکید دارد (جمیلی کهنه شهری، ۱۳۸۰: ۱۷۷ و ۱۸۵-۱۸۰؛ بستان، ۱۳۸۵: ۲۹؛ صادقی فسایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹؛ باقری، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

با توجه به تفاوت‌های جنسیتی گزارش شده در روابط دختران و پسران و نیز با در نظر گرفتن تنگناهای روش شناختی و نابسندگی و بعضاً سوگیری‌های نظری موجود در این رابطه، به منظور شناسایی مؤلفه‌های روابط میان دختران و پسران و تشخیص مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن که برای سیاست‌گذاری اجتماعی بهینه بسیار ضروری است، پژوهش حاضر درصدد بررسی انتقادی مطالعه روابط مذکور از طریق پیمایش با تأکید بر یافته‌های مطالعه اکتشافی است. چالش یافته‌ها با گزارش‌ها و نظریه‌های موجود، امکان بررسی انتقادی و دستیابی به ابهامات نظری و نظریه‌پردازی را فراهم می‌کند.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صمیمیت و دوستی میان زنان و مردان، از حیث نوع، سبک، هدف و میزان شیوع متفاوت هستند. به اعتقاد مک‌لد^۱ (۲۰۰۲: ۲۱۳)، قابلیت دوستی و صمیمیت به طور مستدلی به‌عنوان نشانه اصلی تفاوت‌های جنسیتی در نظر گرفته شده است. به لحاظ تاریخی، زنان و دختران در ردیف عاطفه و مردان در ردیف عقلانی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، یکی از کیفیت‌هایی که به نظر می‌رسد پسران و مردان فاقد آن هستند و می‌خواهند آن را اصلاح کنند، تجربه تماس احساسی و اقدام به ایجاد پیوندهای نزدیک با دیگران است. ریچاردسون^۲ (۱۹۸۸: ۲۱۰) بیان می‌کند که درباره معنای عشق و اهمیت روابط صمیمانه

1. McLeod
2. Richardson



تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد، بدین صورت که زنان برای این گونه روابط ارزش بیشتری نسبت به مردان قائل می‌شوند، برای حفظ رابطه، فعالیت بیشتری می‌کنند و احساس مسئولیت بیشتری نیز در برابر پیامدهای رابطه نشان می‌دهند. همچنین سبک رابطه و کنش متقابل افراد نیز بر مبنای جنسیت متفاوت است. از نظر گاتمن^۱ (۱۹۹۴) سبک رابطهٔ پسران نوعاً برای منحرف کردن تعامل از طریق مخالفت کردن، قطع کردن، تهدید کردن و به رخ کشیدن مشخص می‌شود و دختران مشخصاً تعامل را از طریق تحسین یکدیگر و ابراز موافقت و حمایت حفظ می‌کنند. تورن و لوریا^۲ (۱۹۸۶) دریافته‌اند که پسران به گروه‌های بزرگ‌تری تمایل دارند که انگیزتگی گروهی را از طریق ریسک کردن، زیر پا گذاشتن محدودیت‌های قوانین و گفتگوهای جنسی تشویق می‌کند و دختران بیشتر به کنش متقابلی متمایل هستند که خودافشاگری^۳ و حرکات بیان‌کنندهٔ صمیمیت^۴ (از قبیل تماس بدنی و بافتن موها) را تشویق می‌کنند. دربارهٔ دوستی مردان و زنان بزرگسال، دوستی‌های زنان بیشتر از طریق گفتگو و از آن مردان از طریق فعالیت‌ها مشخص می‌شود (ریدر، ۲۰۰۰: ۳۳۱).

محققان خاطر نشان می‌کنند که اغلب انگیزه‌های برقراری رابطه دو جنس تفاوت دارند. به‌عنوان مثال، یک زن جوان که هدف اصلی او دستیابی به پایگاه است، ممکن است مورد توجه یک مرد جوان قرار گیرد که هدف اصلی او سرگرمی است. شاید یکی از دلایل اینکه اغلب روابط مبتنی بر قرار ملاقات در طی «مرحلهٔ تمرین کردن» بسیار کوتاه‌مدت است، تطابق نداشتن دلایل آن‌ها برای قرار ملاقات یا اهداف سطح پایینی نظیر پایگاه و سرگرمی است که به توسعهٔ یک رابطه پایدار نمی‌انجامد (پاول و وایت، ۱۹۹۰: ۳۸۲). سالتس و همکاران (۱۹۹۴) با بررسی دیدگاه‌های دانشجویان در زمینهٔ ازدواج دریافته‌اند که زنان در مقایسه با مردان نسبت به ازدواج نگرش مساعدتری دارند؛ درحالی که در نظر رز^۵ (۱۹۸۵) مردان اغلب به واسطهٔ جذابیت جنسی تحریک می‌شوند تا از این طریق، دوستی بین جنسی را آغاز کنند (دلوسیایویک^۶

-
1. Gottman
 2. Thorne and Luria
 3. self-disclosure
 4. gestures of intimacy
 5. Roze
 6. DeLucia-Waack

و همکاران، ۲۰۰۱). روسکو^۱ و همکاران (۱۹۸۷) ضمن مطالعه تجربی درباره عامل صمیمیت رابطه دختر و پسر، دریافته‌اند که سهیم شدن^۲، جاذبه جنسی/فیزیکی، اعتماد و روراستی^۳ مورد توجه اغلب پاسخگویان بوده است. بیشتر مردان جاذبه جنسی و زنان روراستی را گزارش کرده‌اند (پاول و وایت، ۱۹۹۰: ۳۷۸). مون‌سور^۴ (۱۹۹۲) ضمن بررسی تجلی‌های صمیمیت در دوستی‌های بین جنسی دریافت که به نظر زنان «تماس فیزیکی» و از نظر مردان «تماس جنسی»، عنصر صمیمیت در دوستی‌های بین جنسی است (ریدر، ۲۰۰۰: ۳۳۳).

هندریک و همکاران (۱۹۸۵) در مطالعه خود، با استفاده از یک پرسشنامه ۱۰۲ آیتمی نگرش‌های جنسی را در میان ۴۳۹ زن و ۳۷۴ مرد دانشجوی دوره کارشناسی، نشان دادند که مردان و زنان در ۷۳ آیتم از ۱۰۲ آیتم متفاوت هستند. زنان مسئولیت‌پذیرتر، عرفی‌تر و آرمان‌گراتر هستند؛ درحالی که مردان آسان‌گیرتر، ابزار‌ی‌تر و دارای جهت‌گیری‌های قدرت-کنترل هستند. میانگین‌ها نشان داد که زنان نسبتاً در نگرش‌های جنسی خود محافظه کار بودند، درحالی که مردان نسبتاً آسان‌گیرتر بودند.

هندریک و هندریک (۱۹۹۵) نگرش افراد نسبت به تمایلات جنسی و عشق را در سه مقطع زمانی (۱۹۸۸، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳) در میان ۱۰۹۰ پاسخگو بررسی کردند. تحلیل داده‌های آن‌ها تفاوت‌های جنسیتی در عشق و تمایلات جنسی را نشان داد. مردان از نظر جنسی آسان‌گیرتر از زنان بودند، اگرچه زنان و مردان هر دو، به صورت مشابه، دیگر جنبه‌های تمایلات جنسی را تصدیق کردند. دیگر تفاوت جنسیتی زنان و مردان آن بود که زنان بیشتر به عشق مبتنی بر دوستی تمایل داشتند و مردان به عشق مبتنی بر بازی-نقش. سرانجام محققان بیان می‌کنند که در بررسی روابط صمیمانه باید به تشابهات و تفاوت‌های جنسی هر دو توجه شود.

پژوهش‌های داخلی نیز حاکی از تفاوت‌های جنسیتی در زمینه روابط پیش از ازدواج است. قاسمی (۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۹) ضمن بررسی دیدگاه‌ها و نگرش‌های دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختر و پسر دریافت که نگرش دانشجویان دختر بیشتر

-
1. Roscoe
 2. Sharing
 3. openness
 4. Monsour



سنت‌گرایانه و نگرش دانشجویان پسر نوگراتر بوده است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۹-۱۰۸). نتایج پژوهش موحد و همکاران (۱۳۸۵: ۱۵۵) نیز اگرچه به طور کلی نشان‌دهنده نگرش مثبت دانشجویان نسبت به معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج است، اما حکایت از آن دارد که زنان نگرش بسیار منفی‌تری به این گونه معاشرت‌ها نسبت به مردان داشته‌اند. همچنین نگرش خانواده‌ها و دوستان پاسخگویان زن نسبت به این امر منفی‌تر از مردان بوده است. عبداللهیان (۱۳۸۳: ۲۵۷-۲۸۹) طی مطالعه تجربی ارزش‌های همسرگزینی در میان جوانان شهر تهران نتیجه می‌گیرد که افراد دو جنس در مواردی مانند آزادی دختر و پسر در همسرگزینی، دلایل قبول یا رد ازدواج به شیوه سنتی، ازدواج فامیلی و معیارهای همسرگزینی نظرات یکسانی دارند، اما در زمینه ارزش‌هایی مانند مهریه، اهمیت نظر والدین و اهمیت استقلال رأی زن در همسرگزینی، میان دو جنس شکاف نگرشی وجود دارد. او معتقد است که نیروی اجتماعی که در پس این تغییرات عمل می‌کند، مجموعه زنان ایران هستند که نه الگوهای انتخاب همسر به شیوه سنتی را می‌پذیرند و نه عاطفی عمل می‌کنند. او با این وصف پیش‌بینی می‌کند که آیین انتخاب همسر در آینده بر مبنای حسابگری زنان از اینکه هدف ازدواج چیست؟ انجام خواهد شد و تعهدات مردان در حوزه وظایف درون خانواده افزایش خواهد یافت.

همچنین مطالعه دهقان و نیک‌بخش (۱۳۸۵)، که به روش پیمایشی و به وسیله پرسشنامه آن لاین انجام شده است، نشان داد که عدم حضور فیزیکی کاربران در اتاق‌های گپ زنی متن‌بنیان در اینترنت نه تنها مانع تبادل پیام‌های احساسی و اجتماعی بین تعامل‌گران نخواهد شد، بلکه کاربرانی که سابقه حضور بیشتری در این اتاق‌ها دارند با کسب توانایی در تبادل پیام در قالب متن یاد می‌گیرند که چگونه نشانه‌های غیرکلامی و کلامی در ارتباطات رو در رو را با استفاده از امکانات موجود در اتاق‌های گپ زنی متن‌بنیان به صورت متن درآورده و با رمزگذاری و رمزگشایی این پیام‌ها به تبادل ویژگی‌های شخصیتی و احساسات خود اقدام کنند. به این ترتیب کاربران در همان حال که با گذشت زمان توانایی تبادل پیام در قالب متن را می‌آموزند، به واسطه گمنامی در این اتاق‌ها به بازی نقش و خودافشایی پرداخته و با بیان آنچه که در دنیای واقعی امکان بازگو کردنش را ندارند، زمینه برقراری ارتباط در محیط مجازی را برای شکل‌گیری روابط صمیمانه آماده می‌کنند.

موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) ۳۶۰ نفر از دختران دانش‌جو از دانشگاه‌های شیراز (۲۵۳)

نفر) و علوم پزشکی شیراز (۱۰۷ نفر) با میانگین سنی ۲۱،۹ سال را از منظر نگرش به روابط دوستی پیش از ازدواج به شیوه پیمایشی بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که نگرش و سوگیری بیش از نیمی از دختران دانشجو ۵۵/۶ درصد به این گونه دوستی‌ها میانه بوده است. تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که همبستگی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، دانشگاه محل تحصیل و برخی ابزارهای رسانه‌ای، معنادار بوده است؛ در حالی که همبستگی آن با زمان حضور در دانشگاه و به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای هم چون روزنامه و مجله معنادار نبوده است. تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که تنها سه متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان و نگرش خانواده، بر روی هم ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند که در این میان، مؤثرترین متغیر، پای‌بند به ارزش‌های دینی بوده است. به طور کلی، می‌توان گفت اگر چه دگرگونی‌های این گستره از روابط، به سوی ارزش‌های مدرن پیش می‌رود، اما دختران، هم چنان گذشته، میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان هستند.

حجازی و فرتاش (۱۳۸۵) در پژوهشی تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران را بررسی کردند. به این منظور ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر به صورت تصادفی از مناطق نوزده‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند. نتایج نشان داد که دختران در استفاده از سبک هویت اطلاعاتی بر پسران پیشی می‌گیرند. لیکن دختران و پسران در استفاده از سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش / اجتنابی و تعهد هویت، تفاوت معناداری نشان ندادند. همچنین در ارتباط با مؤلفه‌های کیفیت دوستی، دختران به صورت معناداری در صمیمیت و افشای خود و تقابل دوستی بر پسران برتری دارند. اما در مؤلفه‌های مجاورت و وفاداری و اعتماد، تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نشد.

دانشورپور و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی را با هدف بررسی رابطه بین جنسیت و صمیمیت اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی‌گر سبک‌های هویت در میان ۲۰۹۹ دانش‌آموز (۱۰۰۸ پسر و ۱۰۹۱ دختر) دبیرستانی انجام دادند. دانش‌آموزان که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی از میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهر تهران انتخاب شده بودند، به پرسش‌نامه‌های



سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی میلر پاسخ دادند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که به طور کلی بین دو جنس و پایه‌های تحصیلی مختلف از نظر سطوح سه گانه سبک‌های هویت تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که در دانش‌آموزان دختر و پسر، بین نمرات صمیمیت اجتماعی و سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و تعهد رابطه مثبت و معنادار و بین سبک سردرگم و صمیمیت اجتماعی در دختران رابطه منفی و غیرمعنادار و در پسران رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نیز نشان داد که متغیرهای جنسیت، پایه تحصیلی و سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویتی به طور معناداری صمیمیت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند.

نتایج مطالعه خمسه و حسینیان (۱۳۸۷) در میان ۱۰۰ دانشجوی متأهل دانشگاه تهران نشان داد که در نمره کل صمیمیت و نیز سایر ابعاد صمیمیت، مانند صمیمیت عاطفی، صمیمیت روان‌شناختی، صمیمیت جنسی و صمیمیت جسمانی، تفاوت‌های جنسیتی معناداری وجود دارد، اما در ابعاد صمیمیت فکری - معنوی، اجتماعی - تفریحی و زیبایی‌شناختی، تفاوت‌های جنسیتی معنادار مشاهده نمی‌شود؛ هم‌چنین، در بعد صمیمیت زمانی میان زوج‌ها نیز تفاوتی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش بر اساس الگوهای مختلف جامعه‌پذیری و نیز مدل چند بعدی صمیمیت تجزیه و تحلیل شده است.

شیخ دارانی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود تأثیر آموزش مبتنی بر افزایش آگاهی از آسیب‌های ناشی از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس دوره متوسطه شاهین شهر را بررسی کردند. پژوهش در قالب طرح پژوهشی نیمه آزمایشی از نوع دو گروهی همراه با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری یک‌ماهه انجام شد. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول و دوم متوسطه شاخه نظری بودند و نمونه‌گیری به شیوه تصادفی خوشه‌ای بر مبنای کلاس انجام شد. آزمودنی‌ها به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. آزمودنی‌های گروه آزمایش طی یک دوره شش جلسه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای مداخلات آموزشی را دریافت کردند و گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته «نگرش نسبت به روابط دختر و پسر» با پنج خرده‌مقیاس و ۴۱ گویه بود که نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به روابط دختر و پسر را بررسی می‌کرد. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیره با کنترل نمرات پیش‌آزمون نشان داد در مجموع آموزش

پیشگیری از روابط آسیب‌زا باعث ایجاد تغییر نگرش در دانش‌آموزان در مرحله پس‌آزمون و پیگیری شده است. همچنین نتایج نشان داد این آموزش‌ها در دانش‌آموزان دختر باعث بهبود نگرش آن‌ها در حیطه‌های «آسیب به زندگی مشترک آینده» و «آسیب به روابط خانوادگی» شده است. این تغییر در حیطه «آسیب‌های اجتماعی» فقط در مرحله پس‌آزمون ایجاد شد.

سهل البیع (۱۳۸۸) در مطالعه خود، با بیان این مطلب که ارتباط زن و مرد از مسائل بسیار مهم فقهی در جامعه امروز بوده و اسلام که دین جامع و جهانی است و از مقتضیات زمان غافل نیست، به طور حتم دیدگاه واقع بینانه‌ای در این زمینه دارد، احکام فقهی روابط دختر و پسر در محیط‌های علمی را بررسی کرده و مبانی فقهی آن را از متون استخراج کرده است. مسأله ارتباط دختر و پسر در جمهوری اسلامی ایران و به خصوص در محیط‌های علمی، به‌رغم تلاش‌هایی که در جهت انطباق آن با احکام شرع انجام شده است، هنوز به طور کامل حل نشده است. به همین دلیل در این رساله راهکارهایی در جهت سالم سازی ارتباط دختر و پسر ارائه شده است.

جنسیت، مفهومی اجتماعی و یکی از اصول و عوامل قدرتمند زندگی بشر است. همه جوامع انسانی، جمعیت خود را بر مبنای متغیر جنسیت به دو دسته مشخص یعنی مرد و زن تقسیم‌بندی می‌کنند. این نظام جنسیتی، بر هویت‌ها و ویژگی‌ها، الگوهای کنش متقابل اجتماعی و تجربیات افراد هر گروه مؤثر است. بر این اساس، گفته می‌شود که «جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها، با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت‌ها تفاوت دارد» (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۶۸). در رابطه با چرایی این تفاوت‌ها و تبیین آن‌ها، سه دسته نظریه وجود دارد:

- تبیین‌های زیست‌شناختی: این دیدگاه، از رویکردهای قدیمی‌تر و البته محافظه‌کارانه‌ای است که ریشه تفاوت زنان و مردان را در ویژگی‌های زیست‌شناختی و کالبدشناختی می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵-۱۹۴).
- تبیین‌های نهادی: تبیین‌های نهادی تفاوت‌های جنسی، بر کارکردهای متمایز زنان در زاییدن و مراقبت از کودکان تأکید دارند و مسئولیت مادر بودن را عامل تعیین‌کننده عمده در تقسیم کار جنسی گسترده‌ای به شمار می‌آورند که زنان را عموماً به کارکردهای همسری، مادری و به حریم خصوصی خانه و خانواده و در نتیجه یک رشته رویدادها و تجربه‌ها مرتبط می‌کند که اساساً با تجربه‌های مردان تفاوت



دارد (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۷۲).

- تبیین‌های جامعه‌پذیری جنسیتی: این دیدگاه، منشاء اصلی تفاوت‌های زنان و مردان را در جامعه‌پذیری آن‌ها می‌داند. جامعه‌پذیری فرآیندی است که طی آن و از طریق تماس با انسان‌های دیگر، کودک ناتوان به تدریج به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی، که در آن متولد شده، تبدیل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۱: ۸۶). به اعتقاد این نظریه‌پردازان، «تفاوت‌های کالبدشناختی میان پسران و دختران وجود دارند، اما مهم طرز تلقی افراد از این تفاوت‌هاست. به بیان دیگر، مهم نحوه جامعه‌پذیری پسران و دختران با رفتاری است که مناسب یا ارزشمند تلقی می‌شود» (ابوت و والاس، ۱۳۸۱: ۳۱).

دو نظریه عمده جامعه‌پذیری جنسیتی عبارت هستند از نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه رشد شناختی. در نظریه یادگیری اجتماعی، «والدین، به دلیل آنکه دختران را بیشتر نیازمند مراقبت و حمایت می‌دانند، اوقات فراغت دختران خود را نسبت به پسرانشان سخت‌تر کنترل می‌کنند. درباره پسران خوش‌گذرانی را لازمه جوانی می‌دانند، ولی سرزدن چنین رفتاری از دختران موجب سرزنش است. به بیان دیگر، همه عوامل اجتماعی دختران را به سوی «رفتارهای مناسب زنانه» سوق می‌دهند و برای زندگی خانوادگی آماده می‌سازند (ابوت و والاس، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۱۵۱). رهیافت شناخت‌نگر به این مسأله توجه می‌کند که چگونه مردم معنای جنسیتی را از دنیای بیرونی، درونی کرده و سپس آن‌ها را برای ساخت هویتی مطابق با خودشان به کار می‌برند (هاوارد، ۲۰۰۰: ۳۷۰-۳۶۸).

چارچوب نظری، فرضیه‌ها و متغیرها

با استفاده از نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی که تلفیقی از دو نگرش یادگیری اجتماعی و رهیافت شناخت‌نگر است و نیز یافته‌های گزارش‌های پژوهشی، چارچوب نظری تهیه شد و بر تفاوت‌های زنان و مردان در زمینه روابط پیش از ازدواج از حیث نحوه برقراری رابطه، مدت زمان رابطه، احساس نیاز، انگیزه و میزان تعهد تأکید دارد. فرضیه‌های استنتاج شده عبارت هستند از:

۱- میان افراد دو جنس از نظر برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج تفاوت معنادار

وجود دارد.

۲- میان افراد دو جنس از نظر مدت زمان روابط صمیمانه پیش از ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد.

۳- میان افراد دو جنس از نظر احساس نیاز به برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد.

۴- میان افراد دو جنس از نظر انگیزه برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد.

۵- میان افراد دو جنس از نظر میزان تعهد در روابط صمیمانه پیش از ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد.

متغیرهای اصلی نیز بر حسب ابعاد و معرف‌ها در جدول ۱ معرفی شده است:

جدول ۱: متغیرهای اصلی بر حسب ابعاد یا معرف‌ها

متغیرها	ابعاد یا معرف‌ها
رابطه صمیمانه پیش از ازدواج	نوع رابطه با جنس مخالف میزان صمیمیت نحوه آشنایی شیوه برقراری رابطه دلایل جدایی و قطع رابطه با جنس مخالف دلایل و پیامدهای قطع رابطه با دوستان جنس مخالف
مدت زمان روابط صمیمانه پیش از ازدواج	مدت زمانی که فرد پاسخگو در رابطه نزدیک و صمیمانه با فرد یا افرادی از جنس مخالف بوده است.
احساس نیاز به برقراری صمیمانه پیش از ازدواج	نیاز شدید افراد به رابطه با جنس مخالف به دلیل تنهایی، احساس کمبود عاطفی، فقدان محبوبیت و....
انگیزه برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج	انگیزه جنسی: نیاز طبیعی و غریزی جنسی به برقراری رابطه صمیمانه و دوستانه با جنس مخالف انگیزه عاطفی: برقراری رابطه صمیمانه با جنس مخالف به دلیل خلاءهای روحی، تنهایی و دلزدگی از همسالان انگیزه مالی: بده بستان‌ها، منافع مالی و مزایای اقتصادی داشتن دوست جنس مخالف (مثلاً از طریق رد و بدل شدن کادو و هدیه)
تعهد در رابطه با جنس مخالف	انگیزه مقایسه اجتماعی: مقایسه خود با دیگر همسالان و نیاز به کسب پرستیژ اجتماعی عاملی در برقراری رابطه دوستانه با جنس مخالف است. کمک و همراهی در رابطه ادامه دادن به رابطه با وجود موانع



روش

این پژوهش از نوع پیمایش است. مطالعه اکتشافی نیز از طریق گردآوری تجربه‌های زیسته جوانان به‌عنوان مطلعان کلیدی، از طریق مصاحبه نیمه استاندارد انجام شد. داده‌های کمی از طریق تکنیک پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و سپس در نرم افزار spss تحلیل مقایسه‌ای انجام شد. سطح تحلیل خرد و واحد مشاهده فرد بود. جامعه آماری جوانان مجرد ۱۵ - ۲۹ ساله ساکن شهر تهران بودند. روش نمونه‌گیری از نوع «خوشه‌ای چند مرحله‌ای» و حجم نمونه شامل ۲۵۴ پاسخگو است که از طریق فرمول کوکران به‌دست آمده است.

یافته‌ها

در این بخش به دو دسته از یافته‌های پژوهش مربوط به مطالعه اکتشافی و پیمایش اشاره شده است.

۱- یافته‌های مطالعه اکتشافی: ضمن مصاحبه با ۱۰ نفر از جوانان به‌عنوان مطلعان کلیدی و نیز با بهره‌برداری از تجربه زیسته آن‌ها، محقق و سایر افراد مرتبط با جوانان، به انواع روابط عقدی، روابط دوستانه علمی، همسایگی، فامیلی و روابط پرخطر جنسی، همچنین آسیب‌پذیری بیشتر دختران مجرد نسبت به پسران در روابط مذکور و نیز نامشروع و ضد ارزش قلمداد شدن روابط جنسی بدون محرمیت زن و مرد اشاره شده است.

۲- یافته‌های پیمایش: پاسخگویان در این مطالعه ۲۵۴ نفر از جوانان ساکن شهر تهران بودند. ۴۲ درصد پاسخگویان زن و ۵۸ درصد مرد و سهم هر دو جنس در حجم نمونه، متناسب با سهم آن‌ها در جامعه آماری بود. سن پاسخگویان بین ۱۵ - ۲۹ سال قرار داشت و میانگین سنی آن‌ها حدود ۲۱ سال بود. از نظر تحصیلی، ۴۸ درصد پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی، ۳۳ درصد دیپلم و ۱۸/۵ درصد هم تحصیلات پایین‌تر از دیپلم داشتند. از نظر وضعیت اشتغال، ۵۵ درصد از پاسخگویان در حال تحصیل، ۲۶ درصد شاغل و ۹/۱ درصد نیز بیکار بودند. یافته‌های پنج متغیر اصلی به شرح زیر بود:

۱-۲- روابط صمیمانه پیش از ازدواج با جنس مخالف: تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در شش بعد نوع رابطه با جنس مخالف، میزان صمیمیت، نحوه آشنایی، شیوه برقراری رابطه، دلایل جدایی و پیامدهای قطع رابطه بررسی می‌شود.

- **نوع رابطه با جنس مخالف:** بررسی رابطه دو متغیر تعامل اظهاری و جنسیت از طریق آزمون خی دو نشان می‌دهد که اگرچه تعداد مردان دارای تعاملات اظهاری و روابط دوستانه با جنس مخالف، بیش از زنان است؛ اما این رابطه معنادار و تعمیم‌پذیر به جامعه آماری نیست (سطح معناداری ۰/۰۶).
- **میزان صمیمیت با دوستان جنس مخالف:** بررسی رابطه دو متغیر صمیمیت با جنس مخالف و جنسیت از طریق آزمون مقایسه میانگین‌ها، نشان می‌دهد که رابطه این دو متغیر غیرمعنادار است، بدین معنا که دختران و پسران جوان در روابط دوستانه خود صمیمیت مشابهی را نشان می‌دهند.
- **نحوه آشنایی با جنس مخالف:** داده‌ها نشان می‌دهد که مردان از همه انواع روش‌های آشنایی بیش از زنان و به دفعات بیشتر استفاده می‌کنند و تنها درباره روابط از طریق همکاری است که نوعی مشابهت میان دو جنس دیده می‌شود.

جدول ۲: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان برحسب دو متغیر جنسیت و نحوه آشنایی با دوست جنس مخالف

نحوه آشنایی	گروه‌ها		مرد		زن		جمع کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
به صورت اتفاقی (خیابان یا پارک)	۲۰	۲۸/۶	۵۰	۷۱/۴	۷۰	۱۰۰	
معرفی شده توسط دیگران	۲۷	۳۸/۶	۴۳	۶۱/۴	۷۰	۱۰۰	
همکلاسی	۲۰	۳۱/۷	۴۳	۶۸/۳	۶۳	۱۰۰	
هم‌محل و همسایه	۲۳	۴۰/۴	۳۴	۵۹/۶	۵۷	۱۰۰	
فامیل و آشنایان	۱۷	۴۲/۵	۲۳	۵۷/۵	۴۰	۱۰۰	
در مهمانی یا پارتی	۵	۱۶/۷	۲۵	۸۳/۳	۳۰	۱۰۰	
از طریق اینترنت و چت	۹	۳۲/۱	۱۹	۶۷/۹	۲۸	۱۰۰	
همکار	۱۳	۴۶/۴	۱۵	۵۳/۶	۲۸	۱۰۰	
سایر (موبایل و پیامک)	۱	۲/۵	۳	۷/۵	۴	۱۰۰	

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد که از بین روش‌های مختلف آشنایی، تفاوت معناداری در دو شیوه آشنایی اتفاقی (سطح معناداری ۰/۰۳) و آشنایی در مهمانی و پارتی



(سطح معناداری ۰/۰۰۷) میان افراد دو جنس وجود دارد و مردان بیشتر از این شیوه‌ها برای برقراری رابطه استفاده می‌کنند.

- **شیوه برقراری رابطه با جنس مخالف:** داده‌ها نشان می‌دهد که ملاقات حضوری و تماس تلفنی پرکاربردترین روش‌های برقراری رابطه با جنس مخالف در میان جوانان مورد مطالعه هستند، اما تماس‌های اینترنتی (از طریق ایمیل و چت روم) و نامه‌نگاری محبوبیت چندانی در میان آن‌ها ندارند. در عین حال، الگو و شیوه برقراری رابطه در میان دختران و پسران مشابه بوده، هر دو جنس از شیوه‌های یکسانی به منظور برقراری رابطه استفاده می‌کنند. اما میزان برقراری رابطه مردان از طریق ملاقات حضوری و تماس تلفنی بیش از زنان است. همچنین تفاوت دو جنس در زمینه استفاده از تلفن برای برقراری رابطه معنادار است (سطح معناداری ۰/۰۳۹) و مردان بیش از زنان از تلفن برای برقراری رابطه با دوستان جنس مخالف خود بهره می‌گیرند.
- **دلایل جدایی و قطع رابطه با جنس مخالف:** الگوی پاسخ‌ها و دلایل قطع روابط دوستانه نشان می‌دهد که اولاً توجه و تمرکز جوانان در روابط دوستانه با جنس مخالف، بر رضایت درونی و احساس مفید بودن دوستی است، به طوری که نداشتن تفاهم، فقدان علاقه‌مندی به دوست یا آشنا شدن با دوست بهتر مهم‌ترین سهم را در قطع روابط دارند. ثانیاً، شایع‌ترین دلایل قطع رابطه در میان پسران، نداشتن تفاهم با دوست جنس مخالف، فریبکار بودن دوست، نداشتن علاقه به او و آشنا شدن با دوست بهتر و عمده‌ترین دلیل دختران، نداشتن تفاهم و علاقه به دوست بوده است. البته، شایان ذکر است که رابطه جنسیت با این متغیر در هیچ موردی معنادار نبوده است.
- **پیامدهای قطع رابطه دوستانه با جنس مخالف:** پاسخگویان سه گزینه افسردگی، کسب تجربه و شناخت بهتر از جنس مخالف و خرسندی از قطع رابطه را انتخاب کردند. بررسی و مقایسه بین جنسی پاسخ‌ها حاکی از آن است که پیامدهای جدایی برحسب جنسیت تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد و پیامدهای قطع رابطه در هر دو

گروه یکسان است.

۲-۲- مدت زمان رابطه صمیمانه پیش از ازدواج با جنس مخالف: داده‌ها نشان می‌دهد که مدت زمان روابط صمیمانه افراد نمونه با جنس مخالف کمتر از یک سال تا بیش از نه سال را شامل می‌شود. بر این اساس، ۲۳/۱ درصد کمتر از ۱ سال، ۴۸/۹ درصد بین ۱ - ۵ سال و ۱۹/۲ درصد بین ۵ - ۹ سال با جنس مخالف خود رابطه دوستانه داشته‌اند. مدت زمان رابطه ۵/۵ درصد نیز بیش از ۹ سال بوده است. همچنین در مجموع، مدت زمان رابطه مردان با جنس مخالف در مقایسه با زنان بیشتر بوده است. میانگین مدت زمان رابطه در میان زنان و مردان به ترتیب ۳/۱۲ و ۳/۲۱ است، که تفاوت ملاحظه‌پذیری نبوده، از نظر آماری نیز معنادار نیست.

۲-۳- احساس نیاز به برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج با جنس مخالف: احساس نیاز به جنس مخالف، بدین معناست که فرد به چه میزان در خود، به برقراری رابطه با جنس مخالف در ابعاد عاطفی، جنسی، اقتصادی و مقایسه اجتماعی احساس نیاز می‌کند؟ و از طریق ۹ سؤال در قالب طیف لیکرت سنجش شد. داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان مردان و زنان از لحاظ احساس نیاز به جنس مخالف وجود دارد، به طوری که میانگین احساس نیاز مردان ۴۰/۸ و میانگین احساس نیاز زنان ۳۲/۵ بوده است. این تفاوت هشت نمره‌ای و جالب توجه، معنادار و تعمیم‌پذیر به جامعه آماری است. لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مردان مورد مطالعه نیاز بیشتری را به برقراری رابطه با جنس مخالف احساس می‌کنند.

جدول ۳: بررسی رابطه جنسیت و احساس نیاز به جنس مخالف

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون آماری
زنان	۱۰۳	۳۲/۵	۹,۷۱۹۴	۰/۹۵۷۶	$t = -۶/۴۴۳$
مردان	۱۴۷	۴۰/۸	۱۰,۲۵۹۰	۰/۸۴۶۱	$sig = ۰/۰۰۰$

۲-۴- انگیزه برقراری رابطه صمیمانه پیش از ازدواج با جنس مخالف: داده‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های درجه اول زنان و مردان از برقراری رابطه دوستانه با جنس مخالف مشابه یکدیگر است و هر دو گروه در درجه اول به انگیزه‌های عاطفی، نیاز جنسی و ترکیبی از این دو مورد اشاره کرده‌اند، اما درباره انگیزه‌های رده دوم بین آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد، به



طوری که مردان بیشتر به انگیزه‌های مالی و زنان به مقایسه اجتماعی تأکید کرده‌اند. جالب توجه است که تنها یک نفر زن به اهمیت اهداف و انگیزه‌های مالی در برقراری رابطه با جنس مخالف اشاره داشته است و در مقابل ۶ مرد انگیزه مالی را در این امر مهم دانسته‌اند. همچنین در حالی که ۱۱ زن مقایسه اجتماعی را در برقراری رابطه مؤثر دانسته‌اند، تنها ۴ مرد همین مورد را ذکر کرده‌اند. این تفاوت‌ها در ارزیابی و برآورد رابطه صمیمانه با جنس مخالف شایان توجه بوده و می‌تواند نشان‌دهنده رأی و نظر افراد دو جنس در زمینه ماهیت و خصلت این گونه روابط باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان برحسب دو متغیر جنسیت و انگیزه‌های رابطه با جنس مخالف

انگیزه‌ها	جنسیت		مرد		زن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
عاطفی	۵۲	۴۶/۴	۶۰	۵۳/۶	۱۱۲	۱۰۰
نیاز جنسی	۱۴	۳۲/۶	۲۹	۶۷/۴	۴۳	۱۰۰
مالی	۱	۱۴/۳	۶	۸۵/۷	۷	۱۰۰
مقایسه اجتماعی	۱۱	۷۲/۳	۴	۲۶/۷	۱۵	۱۰۰
عاطفی و نیاز جنسی	۱۴	۳۲/۳	۲۸	۶۶/۷	۴۲	۱۰۰
عاطفی و مقایسه اجتماعی	۲	۲۵	۶	۷۵	۸	۱۰۰
عاطفی و مالی	۴	۸۰	۱	۲۰	۵	۱۰۰
عاطفی، نیاز جنسی، مقایسه اجتماعی	۲	۵۰	۲	۵۰	۴	۱۰۰
عاطفی، مالی و نیاز جنسی	۱	۱۰۰	۰	۰	۱	۱۰۰
مالی، نیاز جنسی و مقایسه اجتماعی	۰	۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰
همه موارد	۰	۰	۳	۱۰۰	۳	۱۰۰
سایر (کنجکاو، شیطنت و...)	۴	۴۰	۶	۶۰	۱۰	۱۰۰

به علاوه، معنادار بودن تفاوت‌های جنسیتی در زمینه انگیزه رابطه، با استفاده از آزمون‌های آماری حکایت از آن دارد که جوانان مورد مطالعه با توجه به جنسیت خود، انگیزه‌ها و اهداف متفاوتی برای برقراری رابطه با جنس مخالف خود دارند.

جدول ۵: آزمون‌های آماری درباره رابطه بین جنسیت و انگیزه برقراری رابطه با دوستان جنس مخالف

نوع آزمون	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
Pearson Chi-Square	۲۰/۳۵۵	۱۱	۰/۰۴۱
تعداد موردها	۲۵۱	-	-

۵-۲- میزان تعهد در روابط صمیمانه پیش از ازدواج با جنس مخالف: تعهد در رابطه، به معنای احساس تعلق و وظیفه به دیگران و وفاداری یا اعتماد به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آن‌ها است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷۷). یعنی فرد به حفظ رابطه با فردی از جنس مخالف متعهد است حتی اگر این رابطه برای او پاداش دهنده نباشد. داده‌های این متغیر حاکی از آن است که میانگین نمرات مردان در هر دو بعد و شاخص کل تعهد بیش از نمره زنان است و تفاوت مزبور در بعد ادامه رابطه با وجود موانع معنادار هم هست. این موضوع نشان می‌دهد که مردان بیشتر به دوستان خود کمک می‌کنند و در عین حال به ادامه رابطه نیز راغب‌تر هستند. در بعد کمک و همراهی در رابطه، تعداد مردانی که حاضر به کمک و همراهی دوست خود هستند، بیشتر از زنان است و در مقابل تعداد زنانی هم که گفته‌اند به دوست خود کمک نمی‌کنند، شایان توجه است، اما درباره بعد دوم که سطح بالاتری از تعهد را نشان می‌دهد، نیز داده‌ها نشان‌دهنده تعهد بیشتر و جالب توجه‌تر مردان است. در اینجا بیشتر مردان عنوان کردند که در هر صورت به رابطه با دوست جنس مخالف خود ادامه خواهند داد، در حالی که زنان بیشتر گزینه قطع رابطه و فقدان تعهد را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۶: بررسی رابطه جنسیت و تعهد در رابطه با جنس مخالف

شاخص	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون آماری
کمک و همراهی در رابطه	زنان	۱۰۵	۵/۲۹	۱/۶۸۶۶	۰/۱۶۴۶	$t = -۰/۱۴۷$
	مردان	۱۴۴	۵/۳۲	۱/۶۱۶۴	۰/۱۳۴۷	$Sig = ۰/۸۸۳$
ادامه رابطه با وجود موانع	زنان	۱۰۶	۲/۵۹	۱/۷۱۷۰	۰/۱۶۶۷	$t = -۲/۲۸۰$
	مردان	۱۴۱	۳/۱۲	۱/۸۹۳۰	۰/۱۵۹۴	$Sig = ۰/۰۲۳$
شاخص کل تعهد در رابطه	زنان	۱۰۵	۷/۹۰	۲/۴۷۸۸	۰/۲۴۱۹	$t = -۱/۶۱۴$
	مردان	۱۴۱	۸/۴۲	۲/۵۲۲۰	۰/۲۱۲۳	$Sig = ۰/۱۰۸$



تحلیل داده‌ها

در این قسمت، ابتدا به تحلیل مقایسه‌ای داده‌ها با گزارش‌های تجربی اقدام شد و سپس کم و کیف و محدودیت‌های نظری آن بررسی شده است.

تحلیل تجربی

داده‌ها بیان‌کننده آن است که در برخی متغیرها تفاوت شایان توجه و معناداری میان دو جنس وجود ندارد: از جمله میزان صمیمیت در روابط، نحوه آشنایی، دلایل قطع رابطه دوستانه قبلی و پیامدهای جدایی، اما در سایر ابعاد و متغیرها تفاوت‌های جالب توجه و معناداری میان افراد دو جنس وجود دارد. از جمله تعداد دوستان جنس مخالف، مدت زمان رابطه، احساس نیاز به جنس مخالف، انگیزه برقراری رابطه و تعهد در رابطه، میان افراد دو جنس تفاوت وجود دارد (جدول ۷).

جدول ۷: مشابهت‌ها و تفاوت‌های جنسیتی در روابط صمیمانه پیش از ازدواج

مشابهت‌ها	تفاوت‌ها
• نحوه آشنایی	• نگرش مثبت تر مردان نسبت به روابط صمیمانه
• میزان صمیمیت	• اقدام بیشتر مردان برای برقراری روابط صمیمانه
• دلایل قطع روابط دوستانه	• انگیزه زنان بیشتر عاطفی و مقایسه اجتماعی
• پیامدهای جدایی	• انگیزه مردان بیشتر نیاز جنسی، انگیزه‌های مالی و عاطفی
	• مدت زمان دوستی بیشتر مردان

بر این اساس، شیوع روابط دوستانه در میان مردان بیش از زنان است و مردان بیش از زنان به این روابط دست می‌زنند. همچنین بررسی تفاوت‌های جنسیتی در زمینه تعداد دوستان جنس مخالف نشان می‌دهد که دختران اغلب با یک فرد خاص به دوستی اقدام می‌کنند، اما الگوی دوستی پسران به سمت تعدد و تنوع میل می‌کند. علاوه بر این، میانگین تعداد دوستان جنس مخالف در میان مردان بسیار بیشتر از زنان است. مقایسه دو جنس از لحاظ مدت زمان رابطه نیز حکایت از بیشتر بودن مدت زمان رابطه مردان با جنس مخالف در مقایسه با زنان دارد. همچنین مردان از همه انواع روش‌های آشنایی بیش از زنان و به دفعات بیشتر استفاده می‌کنند.

به علاوه، تفاوت معناداری میان مردان و زنان جامعه آماری از لحاظ احساس نیاز به جنس مخالف وجود دارد و میانگین احساس نیاز مردان بیش از زنان است. یافته‌های مذکور با نتایج پژوهش‌های قاسمی (۱۳۸۳) و موحد و همکاران (۱۳۸۵) در زمینه نگرش منفی‌تر و دیدگاه سنت‌گرایانه زنان به روابط پیش از ازدواج مطابقت دارد.

به علاوه، افراد دو جنس از نظر انگیزه و هدف رابطه نیز تفاوت معناداری دارند، به گونه‌ای که زنان بیشتر به مسائل عاطفی و مقایسه اجتماعی در روابط پیش از ازدواج توجه کرده‌اند و مردان نیاز جنسی، انگیزه‌های مالی و عاطفی را مهم‌ترین عوامل این گونه دوستی‌ها می‌دانند. این یافته، مشابه نتایج و یافته‌های پاول و وایت، ۱۹۹۰؛ سالتس و همکاران، ۱۹۹۴؛ دلوسیاویک و همکاران، ۲۰۰۱ و ریدر، ۲۰۰۰ است.

اما درباره متغیر تعهد در رابطه، بالابودن میانگین نمرات مردان در هر دو بعد و شاخص کل تعهد نسبت به زنان مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد مردان مورد مطالعه در روابط دوستانه خود تعهد بالاتری دارند و زنان تعهد کمتری را در روابط خود نشان می‌دهند. این داده با تحلیل عبداللهیان (۱۳۸۳) مبنی بر افزایش تعهدات مردان، بازنگری زنان در قواعد اجتماعی و حسابگری آن‌ها در روابط شخصی و خانوادگی مطابقت می‌کند.

در مجموع به نظر می‌رسد که جوانان شهر تهران در برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج بر مبنای نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی عمل می‌کنند. بدین معنا که جامعه‌پذیری جنسیتی و به ویژه یادگیری اجتماعی با تعریف رفتارهای مناسب زنانه و مراقبت و کنترل دقیق فرزندان دختران نقش مهمی در جهت‌دهی به نحوه ارتباطات جوانان در این زمینه دارد. به علاوه، نیروهای اجتماعی درباره پسران و روابط آن‌ها با تحمل و تساهل بیشتری - که گاه به سهل‌انگاری نزدیک می‌شود - مواجه می‌شوند. در نتیجه، الگوی روابط آزادتر و پرتنوع‌تر پسران و روابط محدودتر دختران شکل می‌گیرد. این یافته با نتایج پژوهش‌های موحد و همکاران (۱۳۸۵) مطابقت دارد که نشان داده است نگرش خانواده و دوستان زنان نسبت به روابط پیش از ازدواج آن‌ها منفی‌تر از مردان است.

چالش نظری

یافته‌ها بیان‌کننده آن است که مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در نگرش و رفتار دختران و حتی



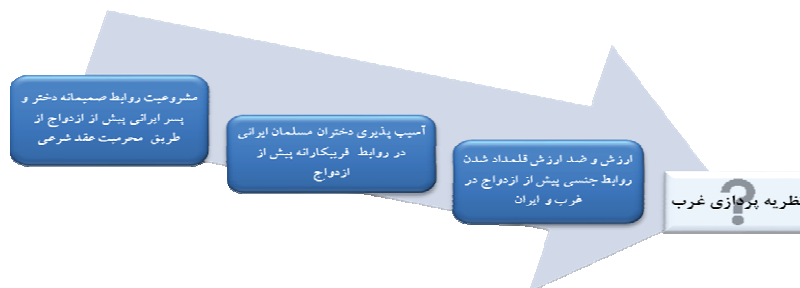
پسران در زمینه موضوع مورد بررسی با نظریه کلاسیک جامعه‌پذیری جنسیتی همخوانی ندارد، به طوری که دخترانی به برقراری روابط دوستانه با جنس مخالف اقدام می‌کنند، یا اصولاً تحت جامعه‌پذیری جنسیتی نبوده‌اند یا به صورتی بر ضد آن جامعه‌پذیری عمل می‌کنند. همچنین به نظر می‌رسد پسران نیز از کلیشه‌های جنسیتی خود خارج شده و دارای برخی احساسات شده‌اند که بیشتر زنانه در نظر گرفته می‌شود. در این راستا تعهد بیشتر پسران و تعهد کمتر دختران در این روابط شایان توجه است. تغییرات مذکور را می‌توان به حضور هنجارهای رقیب سنت، مذهب و مدرنیته در جامعه نسبت داد. در فرآیند گذار از سنت به مدرنیته و به ویژه با وقوع انقلاب اسلامی، زنان ایرانی شرایط و انتظارات هنجاری متضادی را تجربه کرده‌اند. از یک طرف جامعه‌پذیری ارزش‌های سنتی مردسالارانه در تقابل با تحولات جهانی، ظهور جامعه اطلاعاتی، دگرگونی شرایط آموزش و اشتغال زنان بوده است و از طرف دیگر ارزش‌های نوین مذهبی با تأکید بر هویت انسانی و نه ابزاری زنان، در کشاکش با ارزش‌های مردسالاری، سکولار و فمینیستی، زنان را به سوی تحول در دیدگاه، دگرگونی نقش و هویت فراخوانده است. چالش هنجارهای مذکور را می‌توان از دیدگاه مرتن^۱ (۱۹۷۶: ۸-۶) در قالب مفهوم «دوسوگرایی جامعه‌شناختی»^۲ نیز توصیف و تبیین کرد. در نظر او، دوسوگرایی جامعه‌شناختی در گسترده‌ترین معنا، ناظر به ناسازگاری انتظارات هنجاری در نگرش‌ها، باورها و رفتار نسبت به یک پایگاه معین (مثلاً موقعیت اجتماعی) یا مجموعه‌ای از پایگاه‌ها است و مولد دوسوگرایی روان‌شناختی نیز است. به عبارت دیگر، اگر افراد در شرایطی قرار گیرند که در تعریف اجتماعی مجموعه پایگاهی خود، با تفاوت‌ها و ناسازگاری گسترده‌ای مواجه شوند، تمایلات شخصی خود را به سوی احساسات، باورها و رفتارهای متضاد و مغایر جهت می‌دهند و آن‌ها را توسعه می‌بخشند. «نوسانات رفتارها»^۳ که بعضاً به صورت دروغ‌گویی و فریب نمود می‌یابد، از پیامدهای پرخطر و جدی دوسوگرایی جامعه‌شناختی قلمداد می‌شود.

از طرف دیگر، یافته‌های مطالعه اکتشافی بیان‌کننده انواع متفاوت روابط پیش از ازدواج با نوع غربی آن است، نظیر محرم بودن دو جنس از طریق عقد شرعی، آسیب‌پذیری بیشتر دختران

-
1. Merton
 2. Sociological Ambivalence
 3. Oscillation of behaviors

نسبت به پسران در روابط فریبکارانه که در فرهنگ غرب کمتر با آن آشنا هستند و حتی ضد ارزش قلمداد شدن روابط جنسی پیش از ازدواج در هنجارهای مذهبی و سنتی که در فرهنگ غرب بعضاً آزادی جنسی قلمداد می‌شود، همگی گواه بر خلاء نظریه پردازی یا به عبارتی بیان‌کننده بحران نظری برای تبیین روابط پیش از ازدواج دو جنس در جامعه مورد مطالعه است (نمودار ۱).

نمودار ۱: خلاء نظریه پردازی یا بحران نظری روابط زن و مرد پیش از ازدواج



چشم‌انداز متفاوت نظریه‌پردازان غربی که از نوع اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادی است، واقعیات اجتماعی خاص آن‌ها را به گونه‌ای متفاوت و بعضاً متناقض تبیین می‌کند. درباره جوامعی که ساختار اجتماعی - فرهنگی متفاوتی دارند، پارادایم‌های متفاوت علم و محدودیت‌ها فزونی یافته و اعتبار علمی یافته‌ها را به چالش می‌کشد؛ چرا که از یک طرف، معرفت علمی حوزه‌ای از موقعیت معرفتی انسان را اشغال می‌کند که بر اساس آن دنیای اجتماعی و واقعیت تجربی تحلیل‌شدنی و ارزیابی‌پذیر است؛ و از طرف دیگر، روش‌شناسی معرفت علمی نیز بر پارادایم علم متکی است که پیش فرض‌های منطقی علم را ارائه می‌کند و عناصر اساسی آن‌ها مربوط به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. به عبارت دیگر، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی‌های متفاوت، حکایت از پارادایم‌های علم گوناگون دارد (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۸۵-۲۸۶). همچنین درباره زنان و مردان نیز تفاوت‌های ساختار روان‌شناختی می‌تواند منشاء نظریه‌پردازی نوینی باشد. زیمبل، نظریه‌پرداز و جامعه‌شناس کلاسیک، که آثارش در رشد نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی معاصر سهم به‌سزایی داشته است، در کتاب «مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی» (۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۴) بیان می‌کند که زنان سهم بدیع و خلاقیتی در علوم



اجتماعی - فرهنگی دارا هستند؛ سهمی که مردان نمی‌توانند آن را پیش‌بینی کنند. او علت این تفاوت را به چشم‌انداز متفاوت دو جنس نسبت می‌دهد که پیامد ساختار روان‌شناختی مشخصاً زنانه است که لزوماً بدیل‌های متناقض یکدیگر نیستند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تر روابط صمیمانه زنان و مردان پیش از ازدواج و مفهوم‌سازی منطبق بر واقعیت مستلزم دریافت مفروضاتی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه مورد مطالعه است. دستیابی به این مهم، از طریق رویکرد نظریه‌ی بازکاوی که نگره و تجربه‌ی زیسته‌ی پاسخ‌گویان را تحلیل مقایسه‌ای می‌کند و نیز با کاربرد مبادی فلسفه‌ی دینی در ساخت نظریه انجام می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

روابط صمیمانه و دوستانه پیش از ازدواج در ایران کنونی به یک مسأله جدی تبدیل شده‌است. درحالی که دستورات دین اسلام، قوانین کشوری و نیز اکثریت جامعه، برخی از این روابط را مردود می‌دانند، اما اقدام گسترده و کنترل نشده جوانان ایرانی به این روابط، جامعه ایرانی را در حال حاضر با مشکلات فردی و اجتماعی بسیاری مواجه کرده است. به علاوه، از آنجا که به نظر می‌رسد، این روابط جنبه‌ای جنسیتی داشته باشند و پژوهش‌های قبلی نیز بر تفاوت‌های جنسیتی در الگو و نحوه روابط پیش از ازدواج تأکید کرده‌اند، لذا پژوهش حاضر با هدف مطالعه و تعیین تفاوت‌های جنسیتی در اقدام به روابط صمیمانه پیش از ازدواج، با روش پیمایشی و با تأکید بر مطالعه اکتشافی، در میان جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر تهران انجام شده است. یافته‌های مطالعه اکتشافی و پیمایش بیان‌کننده محدودیت‌های نظری در تبیین پدیده مذکور به ویژه در رابطه با اصل محرمیت قبل از ازدواج، آسیب‌پذیری دختران مسلمان در برقراری روابط پرخطر و ارزش و ضد ارزش قلمداد شدن روابط مذکور در جوامع غربی و ایران به شیوه انتقادی و چالش نظری بررسی شده است.

دستاوردهای نظری

۱. منابع معرفتی صرفاً تجربی، برای تبیین روابط پیش از ازدواج زنان و مردان دچار محدودیت است که از طریق توجه به فرآیند نظریه‌پردازی بر اساس هستی‌شناسی

و معرفت‌شناسی شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه مورد مطالعه و کاربرد مبادی فلسفه دینی در ساخت نظریه جبران‌پذیر است.

۲. بهره‌برداری از نظریه دوسوگرایی جامعه‌شناختی مرتن نیز به لحاظ چالش‌های رقیب سنتی، مذهبی و مدرن در جامعه ایران و توانمندی اندک نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی برای تبیین تغییرات روابط پیش از ازدواج زنان و مردان توصیه شده است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. پرهیز از هرگونه شتابزدگی در سیاست‌گذاری اجتماعی - فرهنگی به دلیل آن که متغیرهای مربوط به روابط دو جنس در جامعه مورد مطالعه دارای بار ارزشی است و فقدان همکاری پاسخگو در اجرای پژوهش پرسشنامه‌ای، اعتبار یافته‌ها را کاهش می‌دهد.
۲. برای حصول نتایج معتبرتر، توصیه می‌شود که محققان با انجام‌دادن مطالعات مقایسه‌ای از نوع نظریه بازکاوی، نگره و تجربه‌های زیسته زنان و مردان جوان را برای فرضیه‌یابی مد نظر قرار دهند.



منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی)، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۰). چالش‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در پارادایم‌های علوم انسانی-اجتماعی، [در] عبدالحسین خسرو پناه (۱۳۹۰)، علامه طباطبایی، فیلسوف علوم انسانی-اسلامی (جلد دوم)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- باقری، شهلا (۱۳۸۹). راهبردهای نظریه پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده، مطالعات راهبردی زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۰: (۲۲۹-۲۵۹).
- بستان، حسین (۱۳۸۵). بازنگری نظریه‌های نقش جنسی، پژوهش زنان، شماره ۱ و ۲: (۱-۳۱).
- جمیلی کهنه شهری، فاطمه (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی نظری و روش‌شناختی مطالعات تقسیم کار خانگی: به سوی یک رویکرد روش‌شناختی، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء(س). شماره ۳۷ و ۳۸: (۱۵۹-۱۹۲).
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.
- حجازی، الهه و سهیلا فرناش (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)؛ ۴(۳) (پیاپی ۱۵): ۶۱-۷۶.
- خمسه، اکرم و سیمین حسینیان (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل، مطالعات زنان، ۶(۱): ۳۵-۵۲.
- دانشور پور، زهره، تاجیک اسمعیلی، عزیز الله، شهرآرای، مهر ناز، فرزاد، ولی الله، شکری، امید (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: سبک‌های هویت، روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره ۵۱.
- دهقان، علیرضا و مرسته نیک بخش (۱۳۸۵). مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاق‌های گپ زنی اینترنت. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲(۶): ۱-۲۹.
- ریترز، جورج (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران:

انتشارات علمی.

زیمل، گئورک (۱۳۸۶). *مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار.

سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶). *خلاصه گزارش طرح مطالعه روابط دختران و پسران*، تهران: سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات.

سهل البیع، سارا (۱۳۸۸). *بررسی روابط دختر و پسر در محیط‌های آموزشی و علمی از نظر فقه اسلامی*، استاد راهنما: حسین علی احمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات. شیخ دارانی، هما، مهربانی، حسینعلی، کجباف، محمدباقر، عابدی، محمدرضا (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مبتنی بر افزایش آگاهی از آسیب‌های حاصل از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۳۸): ۴۱-۶۲.

صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). *ضرورت نظریه پردازی در حوزه مسائل زنان از تحقیق تا نظریه*، *مطالعات راهبردی زنان*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۰ (۱۸۵-۲۲۸).

عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳). *ارزش، سنت و بازتولید فرهنگی؛ نشانه‌های شکاف بین ایده‌آل‌های دو جنس در خصوص بازتولید ارزش‌های مربوط به خانواده و ازدواج*، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، با عنوان بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۲۹۰-۲۵۵.

قاسمی، وحید (۱۳۸۳). *سنخ‌شناسی دانشجویان برمبنای پدیده روابط دوستانه دختر و پسر*، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۷، صص ۱۱۳-۹۰.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

موحد، مجید، عنایت، حلیمه و محمدتقی عباسی شوازی (۱۳۸۵). *بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج*، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و چهارم، شماره دوم،



پیاپی ۴۷، صص ۱۶۵-۱۴۷.

موحد، مجید و محمدتقی عباسی شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج، *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)*; ۴(۱): ۶۷-۹۹.

- Delamater, John & Patricia Maccorquodale (1979). *Premarital Sexuality: Attitudes, Relationships, Behavior*, Madison; University of Wisconsin Press, 277 pages, *In Social Science Quarterly: Book Reviews*, 195-6.
- DeLucia-Waack, Janice L.; Gerrity, Deborah A.; Taub, Deborah J.; Baldo, Tracy D. (2001). Gender, Gender Role Identity, and Type of Relationship as Predictors of Relationship Behavior and Beliefs in College Students, *Journal of College Counseling*, 1(4), 32-49.
- Hendrick, Susan; Hendrick, Clyde; Slapion-Foote, Michelle J.; Foote, Franklin H. (1985). Gender differences in sexual attitudes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48(6), pp 1630-1642.
- Hendrick, Susan S. & Hendrick, Clyde (1995). Gender differences and similarities in sex and love. *Personal Relationships*, 2(1), pp 55-65.
- Howard, Judith A. (2000). Social Psychology of Identities, *In Annual Review of Sociology*, 26: 367-393.
- McLeod, Julie, (2002). Working out Intimacy: Young people and Friendship in an age of reflexivity, *Studies in the Cultural Politics of education*, 2(23), 211-226.
- Merton, Robert K, (1976). *Sociological Ambivalence and other essays*, N.Y.: The Free Press.
- Paul, E.L. & K.M. White (1990). The development of intimate relationships in late adolescence, *Journal of Adolescence*, 25(98), 375-401.
- Reeder, Heidi M. (2000). I like you ... as a friend?: The role of attraction in cross-sex friendship, *Journal of Social and Personal Relationships*, 3(17), 329-348.
- Richardson, Laurel (1988). Secrecy and Status: The Social Construction of Forbidden Relationships, *American Sociological Review*, 53, 209-219.
- Salts, Connie J. et al (1994). Attitudes toward marriage and premarital sexual activity of college freshmen?, *Journal of Adolescence*, 29(116), 762-775.
- Way, Niobe; Cowal, Kirsten; Gingold, Rachel; Pahl, Kerstin; Bissessar, Nirvani (2001). Friendship Patterns among African American, Asian American, and Latin adolescents from low-income families, *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(1), 29-53.

